

میزبانی از میزبانانی که سنگ تمام گذاشته‌اند

یگانه شریعت	ماه صفر برای اهل بیت عصمت و طهارت (ع)
چاردیواری	ماه حزن و اندوه است و

روزهای پایانی این این ماه، این حزن به حد اعلای خود می‌رسد و رحلت جانشوز رسول مکرّم اسلام و شهادت فرزندان گرامی‌شان امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) را در پیش داریم. روزهای حزن‌انگیزی که دل‌های عاشقان و شیعیان به درد می‌آید و خیلی‌ها در این روزها دوست دارند تا در حرم مطهر نبوی یا قبرستان بقیع حضور داشته باشند و رحلت رسول خدا و فرزند گرامی‌اش را در کنار تربت پاک این بزرگواران به سوگ بنشینند. همچنان‌که روزهای منتهی به شهادت خورشید طوس حضرت شمس‌الشمسوس علی بن موسی الرضا (ع) بسیاری از عاشقان و شیفتگان آن حضرت را راهی دیار خراسانی می‌کند تا سر بر آستان قدسی‌اش بسایند و روح را در حریم حرمش جلا دهند.

شیعیان و زوار عراقی بسیاری پس از به‌جا آوردن آیین میزبانی از زوار اربعین حسینی با پای پیاده راهی حرم رضوی می‌شوند تا عشق و ارادت‌شان را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به طریق اولی نشان داده و دلدادگی‌شان را به اثبات برسانند و چه فرصتی بهتر از این تا ما ایرانی‌ها که مهمان نوازی مان زبانزد است و عشق و ارادت مان به اهل بیت (ع) ثابت شده، به جبران مهمان نوازی مردم عراق در ایام اربعین حسینی، خاک پای زوار امام رضایمان را طوطیای چشم‌کنیم و پذیرای زائرانی باشیم که با پای پیاده به عشق زیارت سلطان خراسان، قدم در خاک مان می‌گذارند و عاشقانه و خالصانه کیلومترها راه را پیاده می‌پیماند تا در مسیر عاشقی، ثابت قدم باشند.

به همین خاطر و بر پایه مهمان نوازی و جبران زحمات و خدمات مردم مهمان دوست عراق که در ایام اربعین با خلوص نیت برای زوار امام حسین (ع) سنگ تمام می‌گذارند و همه دار و ندارشان را در طبق اخلاص قرار می‌دهند تا مبادا آب در دل زائر حریم حسینی تکان بخورد، مردم ایران هم مهمان نوازی‌شان را برای زائران پیاده امام هشتم (ع) به رخ می‌کشند. به همین خاطر هم این روزها در مسیر خراسان مواکب متعددی برپا شده و مردم شهرها و روستاهای مسیر پیاده روی حرم رضوی با آغوش باز میزبان زائرانی هستند که به عشق مولایمان امام رضا (ع) راهی دیار خراسان شده‌اند. زائرانی که می‌آیند تا در کنار گنبد طلا با دل‌های بارانی و چشم‌هایی پر از امید کبوتران حرم را واسطه کنند تا آه دل‌های شکسته‌شان را به آسمان برسانند، چرا که تا آسمان یک آه بیشتر راه نیست.



درس‌های آموزنده قیام حسینی

حسین بن علی در سخنان و خطابه‌های خودش، آنجا که از امر به معروف و نهی از منکر صحبت می‌کند، همواره صحبتش این است: «وَعَلَى الْأَسْلَامِ السَّلَامُ أَذْ قَدْ لَبِيتَ الْأَمَّةَ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدَ»، «اَتَى لَمْ أَخْرِجْ إِشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَأَنَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى».

بعد از ۳۰، ۲۰ سال که این حرف‌ها فراموش شده بود، حسین بن علی (ع) به نام یک نفر مصلح و اصلاح طلب که باید در امت اسلام اصلاح ایجاد کرد، قیام کرد و به مردم عشق و ایده‌آل داد. رکن اول حماسه زنده‌شدن یک قوم همین است. ملتی شخصیت دارد که حس استغنا و بی‌نیازی در او باشد.

اینهاست درس‌های آموزنده‌ای که از قیام حسین بن علی (ع) باید آموخت. او حس استغنا و بی‌نیازی به مردم داد. روزی که می‌خواهد از مکه حرکت کند، یک ذره قیام خودش را مشروط نمی‌کند و این‌طور می‌فرماید: «حُظُّ الْمُؤْتِ عَلَى وَلَدِ أَدَمَ» و در آخر خطبه می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ فِينَا بِأَذَلٍّ مُهْجَرَةً مُؤْمِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَزَحَلْ مَعَنَا فَأَنْتَ رَاجِلٌ مُضِحِحًا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى» من فردا صبح حرکت می‌کنم؛ هرکس که آماده جانبازی است و حاضر است خون قلب خودش را در راه ما بریزد و تصمیم به ملاقات حق گرفته است، فردا صبح حرکت کند که من رفته‌م. دیگر بیش از این حرفی نیست. این مقدار استغنا قطعاً در دنیا نظیر ندارد. از این بالاتر شب عاشورا است که اصحاب و اهل بیتش را جمع می‌کند و از آنها تمجید و تشکر می‌کند. بعد به آنها می‌گوید: بدانید از همه شما متشکر و ممنونم، ولی بدانید که دشمنان با شما کاری ندارند و اگر بخواهید بروید مانع شما نمی‌شوند؛ من هم از نظر شخص خودم که با من بیعت کرده‌اید بیعت خودم را از دوش شما برداشتم و محظور بیعت هم با من ندارید، هرکس می‌خواهد برود آزاد است.

حسین (ع) از اهل بیت (ع) و اصحابی که درباره آنها گفته است که اهل بیتهی بهتر و باوقا تر از اینها سراغ ندارم، این مقدار استغنا نشان می‌دهد و هرگز سخنانی از این قبیل که من راتنها نگذارید، من غریبم، مظلومم، بیچاره‌ام، نمی‌گوید. البته تکلیف دین خدا را بر نمی‌دارد؛ بنابراین با افراد که اتمام حجت می‌کرد، اگر در آنها تمایل به ماندن نمی‌دید به آنها می‌گفت از این صحنه دور شوید، زیرا من نمی‌خواهم شما به عذاب الهی گرفتار شوید، چون اگر از کسی استمداد کنم و او صدای استمداد مرا بشنود و مرا مدد نکند، خداوند او را به عذاب جهنم مبتلا خواهد کرد.

این درس استغنا درس کوچکی نبود. همین استغنا بود که بعدها روحیه استغنا به وجود آورد و چقدر قیام‌ها و نهضت‌ها به وجود آمد!

حسین بن علی درس غیرت به مردم داد، درس تحمل و بردباری به مردم داد، درس تحمل شدايد و سختی‌ها به مردم داد. اینها برای ملت مسلمان درس‌های بسیار بزرگی بود. پس این‌که می‌گویند حسین بن علی چه کرد و چطور شد که دین اسلام زنده شد، جوابش همین است که حسین بن علی روح تازه دمید، خون‌ها را به جوش آورد، غیرت‌ها را تحریک کرد، عشق و ایده‌آل به مردم داد، حس استغنا در مردم به وجود آورد، درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شدايد به مردم داد، ترس آنان را ریخت؛ همان مردمی که تا آن مقدار می‌ترسیدند، به یک عده مردم شجاع و دلاور تبدیل شدند.

برگرفته از کتاب حماسه حسینی

استاد شهید مرتضی مطهری

زائران پیاده حرم مطهر امام رضا^(ع) به روایت مطبوعات

آمدن ای شاه پناهم بده

خستگی در چهره‌شان موج می‌زند، اما نگاه گرم‌شان آنچنان مشتاق زیارت است که گویی پای برهنه راه‌رفتن را حالی خوش برای رسیدن به بهترین لذت‌های معنوی می‌دانند. رنج سفر با پای پیاده را فقط کسی درک می‌کند که چشمش

به التماس نوازش گنبد طلایی خواب ندارد و دستانش برای تمنای یک لحظه لمس پنجره فولاد بی‌تابی می‌کند. سنت سفرکاروان‌ها با «پای پیاده» از گذشته در فرهنگ اسلامی ما وارد شده و تا امروز ادامه دارد.



برشی از کتاب

در منابع شیعی، به دلیل غربت امام هشتم (ع) زیارت حرم مطهر ثامن الحجج بافضیلت‌ترین زیارت‌ها و حتی مقدم بر زیارت کربلا دانسته شده است. در این روایات فضیلت تحمل سختی، سرما و گرما و حتی قطره‌ای از باران در راه زیارت حضرت رضا (ع) عامل رهایی از آتش آورده شده است. از دیرباز در دهه آخر صفر که بسیاری از معتقدان برای رفتن به کربلا با پای پیاده قصد سفر می‌کردند اما عده‌ای از عاشقان نیز برای حضور معنوی و زیارت حریم رضوی رهسپار مشهد مقدس، پایتخت معنوی ایران می‌شدند. «زائران پیاده» برخی از زائران حرم مطهر امام رضا (ع) هستند که بدون استفاده از هر وسیله و صرفاً با پای پیاده از محل سکونت خویش تا حرم مقدس رضوی راهپیمایی می‌کنند. بررسی اخبار و مطالب

منتشره در روزنامه‌ها، به‌ویژه مطبوعات یکصد سال اخیر نشان می‌دهد این افراد از ابتدا با نیت پیاده‌آمدن از شهر و دیار خود به طرف مشهد حرکت می‌کنند و برای این‌که بتوانند سختی‌های راه را تحمل کنند، به صورت گروه‌های دو یا چند نفری همسفر می‌شوند. اگرچه به یقین نمی‌توان نخستین کسی را که پیاده به قصد زیارت مرقد منور ثامن الائمه (ع) به مشهد آمده، معرفی کرد اما به احتمال شاه عباس صفوی، اولین فردی است که پیاده به زیارت حرم مطهر امام رضا (ع) شتافت. وی به سال ۱۰۱۰ قمری با گروهی از افرادش مسیر اصفهان تا مشهد را طی ۲۸ روز پیاده سپری کرد و سنت حسنه زیارت پیاده مشهد را بنیان نهاد. شاه عباس به محض ورود به مشهد مقدس، به زیارت روضه مقدسه رفت. وی چند روزی در مشهد ساکن شد و شب تا صبح در حرم مطهر امام رضا (ع) ماند. شاه عباس زمانی که در حرم حضور داشت، مانند خدام حرم مطهر به جارو کشی صحن و روشن یا خاموش کردن شمع‌ها مشغول بود. در این سفر شاه عباس چیزهای زیادی را وقف کرد که هنوز آثار آنها موجود است. کتاب زائران پیاده حرم مطهر امام رضا (ع) به روایت مطبوعات اثر سید مهدی سید قطبی و محمد مهدی مرتضوی فر، دستاورد دوساله بررسی و مطالعه گزیده مطبوعات فارسی زبان است. پژوهشگران کتاب علاوه بر تصحیح، پژوهش و گزینش یکایک متن زائران پیاده، تاریخچه زیارت با پای پیاده و اسنادی از زائران پیاده حرم مطهر امام رضا (ع) را بیان کرده‌اند.

در بخشی از کتاب زائران پیاده حرم مطهر امام رضا (ع) به روایت مطبوعات می‌خوانیم:

در عهد سلاطین صفوی، به‌ویژه شاه عباس اول، در خصوص زیارت به مشهد از طرف پادشاهان صفوی تشویق به عمل می‌آمد که از جمله این اقدامات تشویقی، سفر پیاده شاه عباس به مشهد است که با تبلیغات زیادی انجام گرفت و توسط کاتبان درباری با آب و تاب نگاشته شد. در منابع متأخر آمده است که چون شاه عباس اول از کودکی در خراسان نشو و نما یافته بود و نیز مقدمات فرمانروایی‌اش در آنجا فراهم شده بود و در مشهد بر تخت سلطنت نشسته بود، خود را مدیون و مرهون امام هشتم (ع) می‌دانست و بدان حضرت علاقه خاصی نشان می‌داد و از آغاز سلطنتش که قسمتی از خراسان به تصرف ازبکان درآمده بود و آستانه مقدس توسط آن قوم به تاراج رفته بود، همیشه مصمم بود که در نخستین فرصت، مشهد را از دست ازبکان خارج ساخته، خرابی‌ها و خسارات وارده بر آن را جبران کند. سفر پیاده شاه عباس و همراهانش در روز پنجشنبه پانزدهم جمادی الاول سال ۱۰۱۰ قمری از کاخ سلطنتی نقش جهان در اصفهان آغاز شد و شاه و اردوی همراه او آن روز تا «مسجد طوقچی» که در بیرون دروازه شهر اصفهان بود، رفتند و روز دیگر از آنجا به طرف «دولت‌آباد برخوار» (دهستان برخوار بخش حومه اصفهان) در سه فرسنگی اصفهان روانه شدند...

رأفت امام رضا^(ع) در حق زائر

استاد فاطمی‌نیا می‌گفت؛ مرحوم علامه طباطبایی گفتند: «همه امامان ما رؤف هستند اما رأفت امام رضا (ع) حسی است!»

این جمله نیاز به یک کتاب شرح دارد!

همین که وارد حرم مطهر می‌شوی، درک می‌کنی که حضرت رؤف است!

هرکس به حرم امام رضا (ع) مشرف می‌شود، یقین بداند در کاسه‌اش چیزی می‌ریزند.

وقتی به حرم مشرف شدیم و عرض حاجت و توسل کردیم، باید منتظر آن چیزی باشیم که آنها به ما عنایت می‌کنند و هر آنچه به کاسه‌مان ریخته‌اند یقیناً به مصلحت‌مان بوده و باید راضی باشیم.

